

جایگاه شبکه مسلمانان میانه‌رو در اعمال قدرت نرم آمریکا!

با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

جلیل دارا^۱

محسن خاکی^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۸

چکیده

مقاله حاضر با اتخاذ رویکرد تحلیلی منکی بر تبیین ماهیت قدرت نرم از سوی نظریه پرداز اصلی آن، جوزف نای به چستی، اجزا و اهداف آن پرداخته و از سوی دیگر با برداشتی تفسیری- تحلیلی از قرآن کریم جریان نفاق را به عنوان شبکه‌ای پیشینی و مهیا برای پیشبرد اهداف قدرت نرم دشمن علیه حکومت اسلامی معرفی می‌نماید. نتایج این بررسی دلالت بر آن دارد که قدرت سیاسی جریان نفاق، همپای قدرت حکومت دینی افزایش یافته و طبق الگوی قدرت نرم جوزف نای با ایجاد اختلال سیاسی در قدرت حکومت دینی بخشی از نظام سیاسی حکومت مخاطب را جذب دشمن کرده و زمینه‌های تغییر ماهیت نظام سیاسی دینی یا تغییر رفتار آن را فراهم می‌کند. سؤالی که در اینجا مطرح است این که جریان نفاق (مسلمانان میانه‌رو به تعبیر جوزف نای) در حکومت دینی چه نقشی را در اعمال قدرت نرم دشمن ایفا می‌نماید؟ فرضیه ما این است که آنچه در نظریه قدرت نرم جوزف نای تحت عنوان "شبکه مسلمانان میانه‌رو" آمده است که موجب اختلال سیاسی در قدرت حکومت دینی و حصول نرم نتایج در تغییر ماهیت یا رفتار آن می‌شود، منطبق بر ویژگی‌های جریان نفاق در قرآن است که این جریان در جمهوری اسلامی ایران با نام "اسلام آمریکایی" شناخته می‌شود.

jaliledara@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

khaki@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران

واژگان کلیدی: قدرت نرم، نفاق، مسلمانان میانه‌رو، حکومت دینی، جمهوری اسلامی ایران.

۵۷

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

تحلیل‌دارا و محسن خاکی

نقش جریان نفاق در اعمال قدرت نرم آمریکا علیه حکومت دینی: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

ایالات متحده آمریکا با معرفی گفتمان لیبرال دموکراسی به عنوان مقصد نهایی انسان، سعی در بسط و تعمیق قدرت خود بر تمام دنیا دارد. از این رو هر طرحی که به عنوان بدیل، راهی جز آنچه ایالات متحده عرضه می‌کند معرفی نماید، با واکنش شدید این کشور مواجه خواهد شد. در این میان به دلیل هزینه‌های سنگین حمله نظامی و استفاده از قدرت سخت، اندیشمندان آمریکایی برای تحقق این هدف و آرمان، استفاده از قدرت نرم را پیشنهاد می‌کنند. جوزف نای^۳، اندیشمند آمریکایی، قدرت نرم^۴ را به توان اقناع مخاطب و جذب او به ارزش‌های مستقر نظام آمریکایی معرفی کرده و بهترین نحوه مواجهه با حکومت اسلامی را استفاده از همین مدل می‌داند.

۱- تعریف مفاهیم

۱-۱- قدرت نرم: توانایی یک کشور در تحصیل خواسته‌های خود از طریق جاذبه و نه اعمال زور و کيفر قدرت نرم نام دارد (Nye, 2010) "نای" معتقد است می‌توان از سه راه، اعمال قدرت کرد: تهدید، تطمیع و جذب که در واقع هر سه مورد دیگران را وادار می‌کند آنچه شما دوست دارید، دوست بدارند. اگر شما قادر باشید دیگران را به پذیرش خواسته خود وادارید می‌توانید بخش عظیمی از سیاست نامطلوب چماق و هویج را حذف کنید. لذا با در نظر گرفتن این مطلب، قدرت نرم چیزی نیست که منحصر به یک دولت خاص یا روابط بین‌الملل باشد. این مقوله در رفتار انسان‌ها جاری است. یکی از راه‌های عملی شدن آن، این است که قدرت اغوا و گمراه‌سازی، جهانی است (Nye, 2010).

۱-۲- مسلمانان میانه‌رو: تعاریف مختلفی از نظرگاه‌های متفاوت می‌توان در باب "میانه‌روی" در اسلام ارائه کرد. اما آنچه مورد نظر این پژوهش است تعریفی است که عامل جنگ نرم (ایالات متحده) بر علیه حکومت دینی اعمال می‌کند. از دیدگاه موسسه آمریکایی رند^۵، مسلمانان میانه‌رو کسانی هستند که معتقد به دموکراسی و سنت‌های لیبرالی در حقوق بشر و آزادی‌های جنسیتی و آزادی در اعتقادات و عبادات و مخالفت با تروریسم و کسب مشروعیت از خواست مردم و... می‌باشند (Rabasa, Benard, chwartz, Sickle, 2007: chapter 5)

3 . Joseph s. Nye

4 . Soft Power

5 . RAND Center for Middle East Public Policy

۳-۱- نفاق^۶: واژه ایست قرآنی که از ماده "نفق" گرفته شده و در لغت به معنی خارج شدن و تمام شدن است. در اصطلاح کسی است که در باطن، کافر و در ظاهر مسلمان است (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۸). وجه تسمیه منافق از "نفق" آن است که از راهی به دین وارد و از راه دیگری خارج می شود (قریشی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۹۹).

۴-۱- اسلام آمریکایی: ترکیب واژگانی است که امام خمینی (ره) برای فهم اسلام حقیقی در مقابل انواع جعلی آن به کار بردند (Bahman Baktiari, 1996: 147). مشخصاً ایشان در این ترکیب، نگاهی حاکمیتی و قدرت محور به آموزه های اسلام دارند و زمینه طرح آن را در تقابل با حکومت های پادشاهی منطقه به خصوص عربستان سعودی می دانند که با سیاست های استکباری ایالات متحده و سایر کشورهای غربی همکاری و همپاری دارند. البته این تنها یکی از مصادیق اسلام آمریکایی محسوب می شود. ایشان بیش از آنکه "اسلام ناب محمدی" را معرفی نمایند با تعریفی سلبی به وسیله اسلام آمریکایی این کار را می کنند و می فرمایند: «مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملأهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه ها، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» را ترویج می کنند...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ۲۱: ۸۰).

۵-۱- تاریخچه قدرت نرم

در دوران جنگ سرد، آمریکا در قالب راهبرد "سیاست مهار"^۷ کمونیسیم برای جلوگیری از نفوذ کمونیسیم در اروپای غربی و پس از آن در آمریکای شمالی، آسیا و آمریکای لاتین، اقدام به حمایت و سازمان دهی نیروهای دموکراتیک کرد. نیروی دموکراتیک از دیدگاه رهبران ایالت متحده کسی است که آرمان های لیبرال دموکراسی را غایت زندگی بشری می داند. این حمایت از سازمان ها و نهادهای مدنی دموکراتیک برای مقابله با نفوذ مسکو ضروری می نمود و در پیروزی نهایی دموکراسی آمریکایی مؤثر بود. زیرا شوروی در اروپای غربی از طریق احزاب کمونیستی و سازمان های چپی چون اتحادیه های کارگری، سازمان های دانش آموزی و دانشجویی و انجمن های روزنامه نگاران به دنبال بسط دایره نفوذ و ایدئولوژی خود بود. در خارج از اروپا نیز متحدان شوروی برخی از جنبش های رهایی بخش ضد استعماری بودند. بر این اساس هر جنبش ضد آمریکایی در هر نقطه دنیا سریعاً مورد هدف قرار می گرفت. بنابراین، ایالات متحده در کنار تقویت قدرت نظامی هسته ای و

6 . Discord

7 . Continent

متعارف خود با تأسیس ناتو و اجرای طرح مارشال، اقدام به حمایت و سازمان‌دهی سازمان‌های پایبند به ارزش‌های دموکراتیک و تربیت نیروهای فکری معتقد به آرمان خود نمود. این اقدام موازی علاوه بر آنکه می‌توانست مانع نفوذ شوروی در جهان شود از سلطه نیروهای کمونیستی بر جامعه مدنی و عرصه عمومی نیز جلوگیری می‌کرد (Rabasa, Benard, chwartz, Sickle, 2007:7-33).

در همین زمان ایالات متحده متوجه شد می‌توان برای اعمال سیاست‌هایش، بدون پرداخت پاداش یا تهدید محسوس به اهدافش دست یابد. "ارزش‌های آمریکایی" بهتر از سیستم نظامی و جنگ سخت می‌توانند از آرمان‌هایش دفاع کنند. لذا در کنار روش تهدید نظامی و استفاده از الگوهای قهرآمیز به استفاده از روش "اشتراک‌گذاری جذابیت"^۸ در دنیا پرداخت. در این حالت آن‌ها همان کاری را خواهند کرد که عامل اشتراک‌گذاری در پی آن است.

جوزف نای، تئوریسین اصلی "قدرت نرم" در این باره می‌گوید: رهبران سیاسی از مدت‌ها پیش به قدرت برآمده از جاذبه پی برده‌اند. اگر من بتوانم شما را متقاعد کنم که آنچه را می‌خواهم انجام دهید دیگر نیازی به استفاده از هویج یا چماق برای مجبور کردن شما ندارم. درحالی‌که رهبران در کشورهای اقتدارگرا می‌توانند از دستور و تهدید استفاده کنند اما سیاستمداران در کشورهای دموکراتیک مجبورند تا بیشتر بر ترکیبی از جاذبه و تشویق تکیه کنند. درواقع قدرت نرم توانایی تعیین اولویت‌هاست به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموسی مثل داشتن جذابیت فرهنگی، شخصیتی، ارزش‌های سیاسی و نهادی مرتبط و همسو باشد و یا سیاست‌هایی که مشروع به نظر رسیده و یا دارای اعتبار معنوی هستند را پدید آورد. آنچه نای از آن به عنوان «چهره دوم قدرت»^۹ *The Second Face of Power* نام می‌برد، بر مبنای پذیرش جهانی از طرف کشورهای دیگر نسبت به ارزش‌های یک کشور خاص است. در واقع سایر ملت‌ها تحت تأثیر پیشرفت‌ها و آزاداندیشی کشور عامل قرار گرفته و خواهان همسانی و همسازی با آن می‌شوند. لذا، قدرت نرم همان توانایی جذب کردن به ارزش‌ها و آرمان‌هاست نه کسب اطاعت از طریق قوه قهریه یا پاداش (Nye, 2004: 1-5).

نای نیز با تفاوت‌گذاری میان قدرت نرم و پدیده "نفوذ"^{۱۰}، نفوذ را مبتنی بر قدرت سخت، یعنی اجبار یا پاداش و تطمیع می‌داند که منجر به ترغیب خواهد شد درحالی‌که در قدرت نرم، رضایت مخاطب بر اثر جذب او به ارزش‌های عامل اتفاق می‌افتد. لذا در اینجا معیارهای فکری و رفتاری مخاطب نیز تغییر می‌کند (Nye, 2004: 6-7). به عبارتی توانایی ایجاد اقناع و رضایت در مخاطب به‌وسیله ایجاد جذابیت در فرهنگ و ارزش‌ها و حتی سیاست خارجی از طریق متقاعد کردن، همان قدرت نرم است که در برابر شیوه آمرانه در قدرت سخت به کار می‌رود (Nye, 2004: 8).

8 . Share Attractiveness

9 . The Second Face of Power

10 . Influence

نای با انتقاد از شیوه نظامی‌گری بوش بعد از حوادث یازده سپتامبر معتقد است که گرچه ایالات متحده قوی‌ترین حکومت از زمان امپراتوری روم به بعد هست، اما نه شکست‌ناپذیر است و نه آسیب‌ناپذیر. لذا اگر آمریکا می‌خواهد همچنان قدرتمند بماند باید اهتمام جدی نسبت به قدرت نرم، به‌ویژه در قالب «شکل دادن به خواست‌های دیگران» داشته باشد. او مهم‌ترین منبع قدرت آمریکا را ارزش‌های آمریکایی می‌داند که در فرهنگ آمریکایی و سیاست‌های آن کشور در عرصه خارجی خصوصاً در زمینه پیشبرد صلح و حقوق بشر در سطح جهان متبلور می‌شود (Nye, 2002-2003: 545-561).

۶-۱- منابع تولید قدرت نرم از منظر جوزف نای

الف) ذهنیت مخاطب

هنگامی که سر و کار ما با قدرت نرم است بر خلاف قدرت سخت، اینکه در فکر مخاطب هدف چه می‌گذرد بسیار اهمیت می‌یابد. با قدرت سخت اگر بخواهم پول شما را بدزدم می‌توانم شما را بکشم و فوراً پولتان را تصاحب کنم. آنچه که شما در موردش فکر می‌کنید هم هیچ اهمیتی ندارد. اما با قدرت نرم اگر بخواهم پولتان را بدزدم لازم است شما را متقاعد کنم که من یک معلم مذهبی هستم و اگر شما حساب بانکی خود را در اختیار من بگذارید دنیا را نجات خواهم داد. این جاست که آنچه شما در موردش فکر می‌کنید اهمیت می‌یابد (Nye, 2010).

ب) فرهنگ

در هر دو فرض "جهانی‌شدن" و "جهانی‌سازی" این فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی است که به قواعد کلی و جهان‌شمول تبدیل شده‌اند. لذا برای سیاستمداران آمریکایی دست‌یابی به نتایج مدنظر نسبت به دیگران ساده‌تر خواهد بود. این جاذبه‌آفرینی فرهنگ می‌تواند با هزینه‌های بسیار کمتری اهداف عاملینش را حاصل کند. علاوه بر اینکه حتی درآمدهای سرشاری نیز از قبل سینمای هالیوود نصیب آمریکا خواهد کرد (Nye, 2004: 11-12).

ج) منابع اقتصادی

منابع اقتصادی می‌توانند هم قدرت نرم و هم قدرت سخت تولید کنند. یک اقتصاد موفق و رو به رشد وسیله‌ای برای اعمال تحریم‌ها در اختیاران قرار می‌دهد اما می‌تواند یک مدل باشد و دیگران را جذب کند (Nye, 2010).

د) سیاست‌های داخلی و خارجی

سیاست‌گذاری داخلی و خارجی نیز با توجه به سرعت و وسعت جریان اطلاعات، از منابع مهم قدرت نرم محسوب می‌شود. تبعیض نژادی در داخل آمریکا در دهه ۱۹۵۰، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ از نمونه‌های تضعیف‌کننده قدرت نرم این کشور به شمار می‌رود. از سوی دیگر، سیاست‌های حقوق بشر جیمی کارتر، تلاش‌های دولت برای پیشبرد دموکراسی در دوران ریگان و کلینتون نیز از نمونه‌های مثبت در افزایش قدرت نرم آن‌هاست. لذا ارزش‌های یک دولت در سیاست داخلی خود مانند دموکراسی، همکاری‌ها و همگرایی‌های بین‌المللی و تلاش در جهت افزایش صلح و حقوق بشر می‌تواند از نمونه‌های تأثیرگذاری بر دیگران و مجذوب ساختن ایشان باشد (Nye, 2004: 13-14).

۱-۷- دیپلماسی عمومی (کارویژه قدرت نرم)

دیپلماسی هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز است. در این میان "اقتناع" مهم‌ترین ابزار و دست‌آورد دیپلماسی است (طلوعی، ۱۳۸۵: ۴۷۱). دیپلماسی به واقع جایگزینی برای جنگ است که از طریق ابزار ارتباطات رسمی میان دو کشور یا از طریق افکار عمومی کشور هدف زمینه‌های نیل به هدف را ایجاد می‌نماید. در این بین "دیپلماسی عمومی" هنر برقراری ارتباط بین منافع ملی یک کشور با افکار عمومی مردم سایر کشورهای دنیا است. ابزار اصلی در دیپلماسی عمومی، انتشار متن، فیلم، مبادلات فرهنگی، رادیو، تلویزیون و اینترنت است (WOLF AND ROSEN, 2004).

بر این اساس ارائه تصویر مثبت از یک کشور می‌تواند در پیشبرد اهداف آن بسیار مؤثر بیفتد. مخاطب دیپلماسی عمومی، افکار عمومی است و در عرض روابط دیپلماتیک سستی در بین مقامات کشورها، ارزش دارد. لذا در بستر دیپلماسی عمومی است که اطلاعات تبدیل به قدرت می‌شود. چرا که به تصورات دیگران از شما شکل خواهد داد. تصویری قدرتمند از یک کشور برای سایرین می‌تواند موجبات افزایش توانمندی‌های او را فراهم آورد (NYE, 2002: 30).

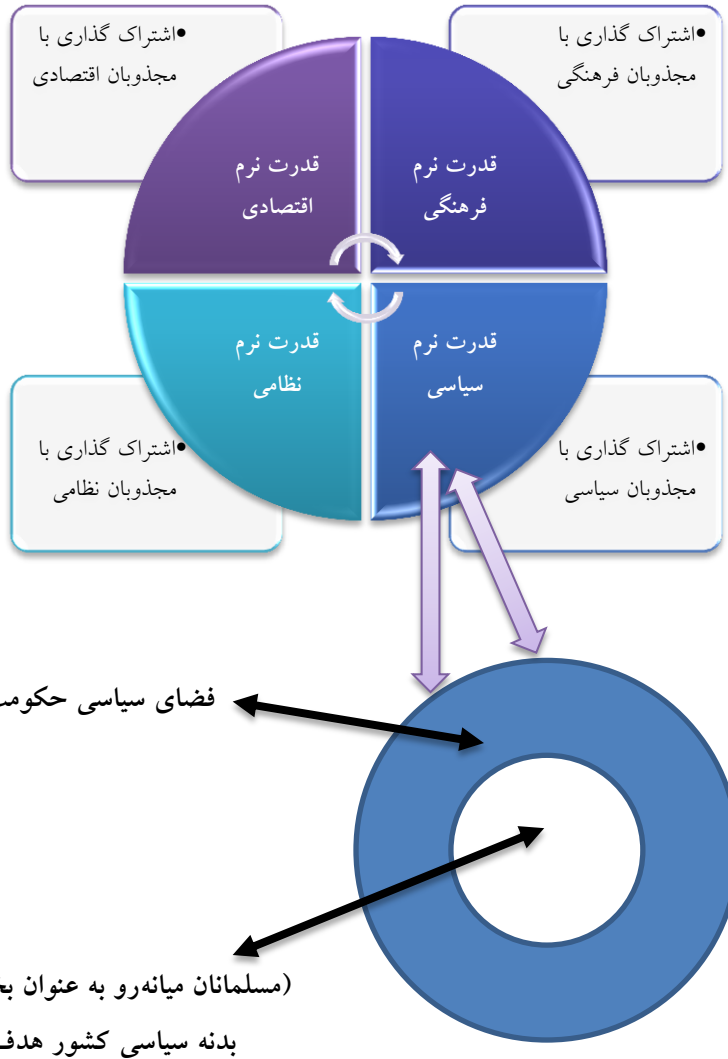
۱-۸- چارچوب نظری

جوزف نای شیوه اشتراک‌گذاری قدرت با کسانی که مجذوب آمریکا هستند را از بهترین راهبردهای توسعه و تداوم قدرت آمریکا می‌داند. کم هزینه بودن و بی خطر بودن این مسیر آن را به راه مطمئنی برای اعمال قدرت تبدیل کرده است. در این میان، مشخصاً مسلمانان میانه‌رو به عنوان کسانی که در کشور هدف، از هم‌کیشان مردم محسوب می‌شوند اما از نظرگاه گرایش سیاسی به غرب متمایل بوده و قائل به تغییر عمیق در ساختارها و رفتارهای حکومت دینی هستند، نقش تأثیرگذاری بر اعمال قدرت نرم آمریکا خواهند داشت. آنچه این جریان خاص را در کشورهای دینی هدف برای

ایالات متحده جذاب می‌کند، گرایش سیاسی ایشان به غرب و به خصوص آمریکا است. نای معتقد است بهترین راه برخورد با کشورهای دارای حکومت دینی که در راستای سیاست‌های آمریکا حرکت نمی‌کنند، تقویت جریان مسلمانان میانه‌رو و اشتراک‌گذاری قدرت با ایشان است، بدین معنا که شرایط محیطی و ابزارهای غیر سخت، اعم از شبکه‌های مجازی، پول و امکانات و تبلیغات در راستای به قدرت رسیدن این جریان به کار گرفته شود.

جوزف نای، در فصل پنجم کتاب "قدرت نرم"، امکان بسط قدرت آمریکا به شیوه نرم را از طریق سیاست خارجی میسر می‌داند و برخلاف شیوه نظامی و قدرت سخت که موجب انزجار و حسادت می‌شود در عصر اطلاعات جهانی، جذابیت ایالات متحده را جهت به دست آوردن توانایی رسیدن به نتایج مطلوب، حیاتی می‌داند. او در نهایت چارچوب موسسه رند را پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: «همان‌طور که جان آرکویلا و دیوید رانفلت از مؤسسه "رند" بیان می‌دارند، قدرت در عصر اطلاعات فقط ناشی از یک دفاع قدرتمند نیست، بلکه ناشی از "به اشتراک‌گذاری" جدی قدرت است. در پیش گرفتن یک سیاست سنتی بر مبنای زور، همکاری با دیگران را دشوار می‌کند. اما در عصر اطلاعات چنین اشتراکاتی نه تنها توانایی دیگر کشورها را برای همکاری با ما افزایش می‌دهد بلکه باعث افزایش تمایل آن‌ها برای این کار نیز می‌گردد. اگر ما اطلاعات امنیتی و توانایی‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذاریم، به چشم‌اندازها و خط‌مشی‌های مشترکی دست پیدا خواهیم کرد که توانایی ما را برای مقابله با چالش‌ها افزایش خواهد داد. قدرت از چنین جاذبه‌ای سرازیر می‌شود. نادیده گرفتن اهمیت جاذبه و اینکه آن را فقط یک مقبولیت زودگذر بدانیم خلاف بصیرت‌های کلیدی حاصل از نظریات جدید راهبردی و نادیده گرفتن واقعیت‌های عصر اطلاعات است.» (Nye, 2004, quoted from: Arquilla, Ronfledt: 1999)

مدل تحلیلی امکانات مختلف اشتراک‌گذاری قدرت نرم از منظر جوزف نای^{۱۱}



۲- جریان نفاق در حکومت دینی

۲-۱ تبیین نفاق در قرآن

شناسایی منافق و جریان نفاق از سخت‌ترین و بلکه پیچیده‌ترین معارف قرآن و روایات است. در ذیل به بیان برخی نشانه‌های نفاق در قرآن کریم می‌پردازیم:

11 . Nye, 2004: chapter five (Soft War and Americas Foreign Policy)

۱-۱-۲ "مسلمان و مؤمن" خطاب شدن جریان نفاق

در سوره نساء می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ایمان بیاورید به خدا و فرستاده او و کتابی که بر رسولش فرو فرستاده و کتابی که پیش از آن نازل کرده است و هر که به خدا و فرشتگان او و فرستادگانش و روز قیامت کفر بورزد قطعاً دچار گمراهی و ضلالت شده است^{۱۲} (نساء/۱۳۶). خطاب منافقان در آیه مذکور با لفظ مؤمنان است که حکایت از حکم ظاهری ایمان بر ایشان است. علاوه بر این علامه طباطبایی در ذیل آیات بحث، مصداق آیه را در باب منافقان قابل طرح می‌داند (طباطبایی، ج ۵: ۱۸۸-۱۸۴). به‌طور کلی همه فقها حتی بر فرارگرفتن منافق در اسلام تأکید دارند. آن‌چنان‌که از علامه مجلسی هم در این باره مطلبی نقل شد یعنی هر چند منافق در آخرت مستحق در آتش است اما در ظاهر و دنیا، احکام اسلامی بر او جاری می‌گردد (حلی، ج ۱: ۴۲۷ و خمینی، ج ۳: ۳۴۱ و حکیم، ج ۲: ۱۲۳).

۲-۱-۲ رابطه میان جریان نفاق و دشمنان حکومت دینی

در جایی دیگر می‌فرماید: همانا کسانی که با کافرانی دوستی می‌کنند که دیگر مؤمنین آن کافران را به دوستی نمی‌گیرند آیا در نزد آنان عزت و عظمت می‌طلبند؟ پس بی‌تردید همه عزت از آن خداست^{۱۳} (نساء/۱۳۹). این آیه به یکی از مهم‌ترین نشانه‌های جریان نفاق اشاره می‌کند که البته پیچیدگی‌های روانی- اجتماعی خاصی را دارد. مسئله دوستی با کفار، اولین نکته استفاده قرآن از فعل "یتخذون" است. ماده "اخذ" به معنای گرفتن، حکایت از اقدام "منافق" برای جلب دوستی کافر دارد. همچنین اکثر ترجمه‌ها، معنای عبارت "الذین یتخذون الکافرین اولیا من دون المومنین" را این‌گونه بیان کرده‌اند: «منافقان کسانی‌اند که کافران را به جای مؤمنان دوست می‌گیرند» اما با دقت می‌توان دریافت که هیچ‌کس غرض عقلایی برای منافق، در قطع رابطه با مؤمنین و دوستی با کفار نهفته نیست. آیا مگر شرط دوستی با کفار عدم دوستی با مؤمنان است؟! معنی دقیق عبارت این است که: «منافقان کسانی‌اند که با کافرانی دوستی می‌کنند که مؤمنان با آن کافران دوستی نمی‌کنند، یا منافقان بدون همراهی با مؤمنان با عده‌ای خاص از کافران دوستی می‌کنند».

چرا که دوستی با کافر به طور مطلق امر مذمومی نیست. چه‌بسا موجب گرایش او به اسلام و ایمان بشود. چه در برخی آیات حتی سفارش به همکاری با اهل کتاب شده است. نظیر این آیه که می‌فرماید: بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند

۱۲ . یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ

يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

۱۳ . الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِّفَتْ لَهُمْ أَعْرَابُهُمْ أَعْرَابَهُمْ فَانِ الْاِعْرَابِ لِلَّهِ جَمِيعًا

یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به خدایی نپذیرد. هرگاه از این دعوت سرباز زنند بگویید گواه باشید که ما مسلمانیم^{۱۴} (آل عمران/۶۴).

۶۵

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

نیل دارا و محسن خاکی

نقش جریان نفاق در اعمال قدرت نرم آمریکا علیه حکومت دینی: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

اما نکته‌ای که در آیه ۱۳۹ سوره نساء است دو بحث لطیف در درون خود دارد: یکی دوستی‌ای که زمینه اطاعت را فراهم می‌کند و دوم دوستی با گروه خاصی از کافران که مؤمنان به هیچ وجه حاضر به رابطه و حتی گفتگو با آنها نیستند. در واقع "غیر مسلمانان" عهدشکن و مستکبری که قرآن نیز که خود، دعوت کننده همکاری با اهل کتاب بر مبنای توحید بود، مؤمنان را از ایشان باز داشته و می‌فرماید: بعضی از اهل کتاب دوست داشتند شما را گمراه کنند، آن‌ها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، نمی‌فهمند^{۱۵} (آل عمران/۶۹). به بیان دیگر، در دوستی با برخی از غیرمسلمانان (اعم از کفار و اهل کتاب) به دلیل دشمنی خاص ایشان با اسلام، زمینه‌های اطاعت و در نتیجه گمراهی فراهم می‌شود.

۳-۱-۲ کسب عزت اجتماعی از ره آورد دوستی با کفار

در ادامه آیه غرض و غایت نفاق از دوستی با کفر را همانا کسب عزت می‌داند. عزت به معنای لغوی، شکست‌ناپذیری و حالتی که مانع مغلوب شدن انسان می‌شود. همچنین با توجه به معنای صلابت و حالت شکست‌ناپذیری، عزت در معانی دیگری از جمله غلبه، صعوبت، سختی، غیرت، حمیت و غیره استعمال شده است (راغب اصفهانی: ۳۳۲ و طبرسی، ج ۱: ۴۰۷). به واقع منافقان دوستی با کفار را وسیله‌ای برای صلابت و شکست‌ناپذیری و استحکام می‌دانند. یعنی از نظر یک منافق، دوستی با کفار هم می‌تواند حکومت دینی را از شر خود این کفار نجات دهد و هم می‌تواند از طریق مثلاً یک پیمان و عهد، از حکومت و نظام دینی در برابر سایرین دفاع نماید. حال منظور منافق از عزتی که در رابطه با کفار حاصل می‌شود، عزت فردی است یا اجتماعی؟ قرآن از حال ایشان خبر داده که به دنبال عزت هستند و بدون تردید در اینجا عزت فردی معنا ندارد. چرا که عزت لغتی است که مفهومش در اثر ارتباط با دیگران حاصل می‌شود و هم اینکه مناسب نیست فردی برای کسب عزت و آبرو در جامعه دینداران و مؤمنان، به دوستی با کفار عهدشکن مستکبر، روی بیاورد.

اما عزت اجتماعی به عنوان تنها دست‌آویز برای منافقان تصویر خاص خود را دارد. از آنجا که حکومت اسلامی بر اثر ارتباط با دشمن خود (کفار) به اعتلا و استحکام نمی‌رسد تنها یک وجه باقی می‌ماند و آن هم ایجاد ارتباط با "کافران" به خاطر عزت مؤمنان است. به عبارت دیگر منافقان در تصورسازی از این ارتباط در پی آن‌اند که وانمود کنند پیش از آنکه ضرر بزرگ‌تری از ناحیه کافران به

۱۴. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

۱۵. وَذَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

جامعه برسد، ایشان را از ضرر رسانیدن به جامعه اسلامی بازداشته و عزت و تعالی مؤمنان را حفظ نموده‌اند. لذا از این طریق می‌خواهند مقبولیت اجتماعی در بین عوام مؤمنین ایجاد نمایند.

۴-۱-۲ همراهی منافقان با دشمنان حکومت دینی

در ادامه سوره نساء می‌فرماید: کسانی که پیوسته در انتظار گرفتاری شما می‌نشینند. پس اگر از جانب خدا برای شما پیروزی رسید می‌گویند مگر ما با شما نبودیم؟ و اگر برای کافران بهره‌ای باشد می‌گویند مگر ما مراقب شما نبودیم و از گزند مؤمنان بازتان نداشتیم؟ پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می‌کند و خدا هرگز برای کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان ننهاده است^{۱۶} (نساء / ۱۴۱).

۵-۱-۲ نشانه‌های دیگری از جریان نفاق

همچنین در سوره احزاب، "عدم اعتماد به وعده‌های الهی"، "عدم مقاومت در برابر دشمن" و "ترس از دشمن" از نشانه‌های منافقین برشمرده شده است: زیرا منافقان و آن‌هایی که در دل‌هایشان بیماری است، می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز فریب به ما وعده‌ای نداده‌اند^{۱۷} (احزاب/۱۲). گروهی از آن‌ها گفتند: ای مردم یثرب، اینجا جای ماندن‌تان نیست، بازگردید. گروهی از آن‌ها که از پیامبر رخصت طلبیدند می‌گفتند: خانه‌های ما را حفاظی نیست. خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود، می‌خواستند بگریزند^{۱۸} (احزاب/۱۳). و اگر از اطراف، خانه‌هایشان را محاصره کنند و از آن‌ها بخواهند که مرتد شوند مرتد خواهند شد و جز اندکی درنگ روا نخواهند داشت^{۱۹} (احزاب/۱۴). همچنین در سوره توبه به "توطئه‌گری" منافقان درباره حکومت اشاره شده است: منافقان می‌ترسند که مبدا از آسمان درباره آن‌ها سوره‌ای نازل شود و از آنچه در دل نهفته‌اند باخبرشان سازد. بگو: مسخره کنید که خدا آنچه را که از آن می‌ترسید آشکار خواهد ساخت^{۲۰} (توبه/۶۴). "مخالفت با جنگ" و "عدم مقاومت" در برابر دشمن حکومت دینی، از ویژگی‌های دیگر منافقین است که در سوره آل‌عمران به آن اشاره شده است: درباره برادران خود که به سفر یا به جنگ رفته بودند، می‌گفتند: اگر نزد ما مانده بودند، نمی‌مردند یا کشته

۱۶. الَّذِينَ يَتَرَبَّصُّونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْكُمْ وَعَدُّوا بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَخْتُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

۱۷. وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

۱۸. وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّهُمْ إِنَّمَا يَفْرَاقُونَ الْإِلَهَ فِرَاقًا

۱۹. وَأَلَوْ دُحِيتَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّتْوا بِهَا إِلَّا سَبِيرًا

۲۰. يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ

نمی‌شدند^{۲۱} (آل عمران / ۱۵۶). یکی دیگر از ویژگی‌های مهم منافق در سوره منافقون عبارت است از "عدم اعتقاد به ولایت"، آنجا که می‌فرماید: چون منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می‌دهیم که تو پیامبر خدا هستی. خدا می‌داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ‌گویند^{۲۲} (منافقون / ۱). همچنین در سوره توبه، "ترجیح خواست و رضایت مردمی بر ولایت" از دیگر نشانه‌های این جریان شمرده شده: در برابر شما به خدا سوگند می‌خورند تا خشنودتان سازند و حال آنکه اگر ایمان آورده‌اند شایسته‌تر است که خدا و رسولش را خشنود سازند^{۲۳} (توبه / ۶۲).

۶۷

دو فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات

قدرت نرم

۳- ارتباط تحلیلی میان مسلمانان میانه‌رو و جریان نفاق

۳-۱ تغییر تاکتیک از اعمال قدرت سخت به نرم در قبال جوامع اسلامی

حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م به عنوان بزرگ‌ترین عملیات تروریستی تاریخ ایالات متحده آمریکا به شمار می‌آید و پیامدهای مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی برای این کشور و جامعه جهانی به دنبال داشته است. بسیاری معتقدند که حادثه ۱۱ سپتامبر همانند حمله ژاپن به بندر پرل هاربر، تاریخ آمریکا را تغییر داده است.

پس از این حملات بود که موضوع جریان‌های تندرو اسلامی در خاورمیانه، تهدیدی جدی برای امنیت ملی و منافع آمریکا محسوب شد، تا آنجا که بهانه‌ای برای دخالت مستقیم نظامی آمریکا در خاورمیانه فراهم آمد. از همان ابتدا در میان اندیشمندان آمریکایی در نحوه‌ی مقابله با افکار ضدآمریکایی و ضد امپریالیستی توافقی وجود نداشت. بسط ارزش‌های آمریکایی به سراسر جهان به خصوص خاورمیانه که از منظر آمریکایی‌ها سه دشمن عمده را در خود جای داده است در اولویت اول سیاست‌گذاری رهبران آمریکا قرار گرفت. ایران، عراق، و طالبان سه هدف مشخص برای برخورد سخت و نرم به شمار می‌رفت. اینجا بود که جرج بوش، بخشی از توان دولت خود را معطوف به گسترش دموکراسی و آزادی‌های آمریکایی نمود. لذا تصمیم به حمله سخت و نظامی به افغانستان و عراق گرفت. با این حال، هنوز در میان اندیشمندان آمریکایی در این خصوص که بهترین راه برای مقابله با جریان‌های تندرو اسلامی در خاورمیانه که، حکومت دینی در ایران نیز بخشی از آن به شمار می‌رود، چیست و چگونه می‌توان چارچوب‌های عمیق اجتماعی-سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را نابود کرد اختلاف نظر وجود دارد.

در این میان مراکز مطالعاتی و مؤسسات وابسته به مبانی غرب اشاعه یافته و توسط مؤسساتی

۲۱. وَقَالُوا لِيَاخُوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا

۲۲. إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

۲۳. يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنَّ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

همچون کمیته خطر کنونی^{۲۴}، بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی^{۲۵} مؤسسه هوور^{۲۶} و بنیاد دفاع از دموکراسی^{۲۷} راهبردهای اعمال قدرت نرم علیه کشورهای هدف مثل جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳ مؤسسه رند و طرح شبکه مسلمانان میانه‌رو

از اندیشکده‌هایی که به نحوه مواجهه آمریکا به وسیله قدرت نرم با دشمنانش به خصوص در طیف اسلامی آن پرداخته است "مرکز سیاست عمومی خاورمیانه، موسسه رند" است. پژوهش این موسسه با عنوان "ایجاد شبکه‌هایی از مسلمانان میانه‌رو" مبتنی بر تجربه موفق ایجاد و حمایت از شبکه‌هایی از آزاد اندیشان و دموکراسی طلبان در شوروی سابق در دوران جنگ سرد است. این پژوهش با نقد راهبرد نظامی دولت بوش، راهبرد و توصیه‌هایی مبتنی بر مواجهه‌ی نرم برای مقابله با خطر جریان‌های تندرو اسلامی دارد. در این پژوهش آمده است که بخش مهمی از تلاش‌های آمریکا برای شبکه‌سازی در کنار دیپلماسی عمومی و سیاست ارتباطات استراتژیک، شناسایی شرکا و مخاطبان اصلی در جوامع مورد نظر است. در واقع تشخیص متحدان بالقوه از میان دشمنان کنونی یکی از عمده‌ترین مشکلات دولت‌های غربی و سازمان‌های حامی "مسلمانان میانه‌رو" است.

طبق اظهار نظر نویسندگان، وجود ساختارهای سیاسی اقتدارگرا و ضعف جامعه مدنی در جهان اسلام، درحالی‌که مایه قدرت اسلام‌گراهای تندرو و حاکمیت سکولارهای اقتدارگرا شده است، به نابودی نهادهای مدنی و نیروهای میانه‌رو مسلمان انجامیده است. تمایل شدید گروه‌های تندرو اسلامی به سرکوب نیروهای سکولار لیبرال و مسلمانان میانه‌رو، برخورداری از مزیت سازمانی و منابع مالی، عرصه اجتماعی و عمومی جامعه را تحت کنترل عناصر تندرو اسلامی قرار داده است. بنابراین در اغلب کشورهای اسلامی، عرصه سیاست محل رقابت نیروهای اقتدارگرای سکولار و اسلام‌گرای رادیکال است (Rabasa, Benard, chwartz, Sickel, 2007: 65).

به اعتقاد تهیه‌کنندگان پژوهش، ایالات متحده به منظور مقابله با خطر تندروهای اسلامی، باید به حمایت مالی و سازماندهی گروه‌های میانه‌رو در جهان اسلام مبادرت ورزد و با دستگیری از آن‌ها عرصه بازی قدرت و رقابت را به نفع عناصر میانه‌رو و به ضرر عناصر اقتدارگرای سکولار و به ویژه نیروهای تندروی اسلامی تغییر دهد. این مسلمانان از دموکراسی و حقوق بشر مورد قبول نهادهای بین‌المللی شامل برابری جنسیتی و آزادی عبادت، همچنین احترام به تنوع، پذیرش قوانین غیرفرقه‌ای، مخالفت با تروریسم و دیگر اشکال خشونت غیر مشروع، حمایت می‌کنند. تعهد آن‌ها به

-
24. Committee on the Present Danger (CPD)
 25. National Endowment for Democracy (NED)
 26. The Hoover Institute
 27. Foundation for Defense of Democracies

دموکراسی، همان‌طور که در سنت غربی لیبرال وجود دارد و موافقت با اینکه مشروعیت سیاسی از خواست مردم و از طریق انتخابات آزاد و دموکراتیک ناشی می‌شود، از دیگر خصیصه‌های ایشان است (Rabasa, Benard, chwartz, Sickle, 2007: 66-70).

بر اساس این راهبرد، یکی از گروه‌هایی که می‌توانند به عنوان شریک بالقوه‌ی ایالات متحده در کشور اسلامی محسوب شوند، مسلمانان لیبرال هستند که ایدئولوژی سیاسی آن‌ها بنیاد مذهبی دارد. در عین حال دستورالعملی را در نظر دارند که با ارزش‌های غربی دموکراسی منطبق باشند. آن‌ها تلاش می‌کنند ریشه‌ها و سنت‌های اسلامی متفاوتی داشته باشند و معتقدند که ارزش‌های اسلامی باید با جهان مدرن هماهنگ باشد. آنچه یک مسلمان لیبرال مدنظر دارد شامل: دموکراسی، پلورالیسم، حقوق بشر و آزادی فردی است. لذا شرکای عمده آمریکا در جهان اسلام را می‌توان در پنج گروه عمده طبقه‌بندی کرد: (۱) دانشگاهیان و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار؛ (۲) روحانیون میانه‌روی جوان؛ (۳) فعالان اجتماعی؛ (۴) گروه‌های زنان؛ (۵) روزنامه‌نگاران و نویسندگان میانه‌رو (Rabasa, Benard, chwartz, Sickle, 2007: 70-75).

به طور کلی "مسلمان میانه‌رو" مسلمانی است که علاوه بر اعتقاد به اسلام، معتقد به حاکمیت ارزش‌های آمریکایی باشد. طبق راهبرد پیشنهادی این پژوهشگران، آمریکا در وهله‌ی نخست باید عزم خود را برای ایجاد شبکه‌هایی از مسلمانان میانه‌رو و حمایت از آن‌ها جزم کند، فعالیت‌های مزبور را با سیاست توسعه آزادی پیوند دهد، به لحاظ قانونی نهادی در ساختار حکومتی برای آن تعیین شود و در نهایت، بر پایه سیاستی «نامتقارن»^{۲۸} و «گزینشی»^{۲۹}، به حمایت از گروه‌های میانه‌روی مسلمان و سکولار لیبرال در مناطقی از جهان اسلام و نه صرفاً خاورمیانه بپردازد. طبق این سیاست، دانشگاهیان سکولار، روحانیون جوان میانه‌رو، فعالان اجتماعی، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و گروه زنان، باید در اولویت حمایت قرار گیرند (Rabasa, Benard, chwartz, Sickle, 2007: 79-81).

۳-۳ تطبیق جریان نفاق با شبکه مسلمانان میانه‌رو

به نظر می‌رسد ویژگی‌های مشترک و مبنایی زیادی بین آنچه که در قدرت نرم به عنوان اقناع سازی بخشی از بدنه سیاسی و اجتماعی باید اتفاق بیفتد و آنچه از خصیصه‌های جریان نفاق در قرآن بیان شده است، وجود دارد. فرضیه این پژوهش این است که جریان نفاق می‌تواند به عنوان یک خط سیاسی خاص، بخش قابل‌توجهی از مطالبه‌ی دشمن حکومت دینی را برای ایجاد اختلال در سیستم سیاسی حکومت ایجاد نماید. یعنی نفاق می‌تواند نقش همان گروهی را ایفا کند که جوزف نای با استناد به پژوهش مؤسسه "رند" در پی اشتراک‌گذاری قدرت با ایشان است. این "اشتراک‌گذاری" با

28. asymmetric

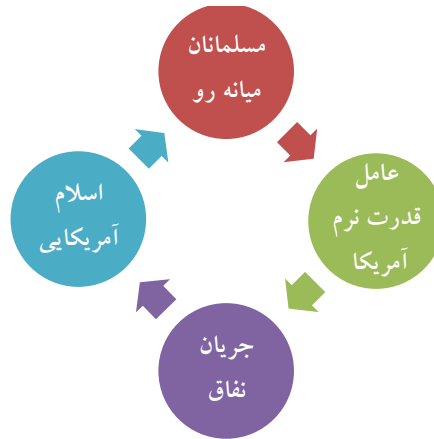
29. Selective

افرادی چون سیاستمداران بومی، به میزان قابل توجهی از هزینه‌های آمریکا برای تداوم قدرت را کاهش می‌دهد.

جریان نفاق به واقع همان بخشی از بدنه جامعه اسلامی است که حقانیت حکومت را صرفاً در رضایت و قبول مردم می‌جوید و از همین رو برای ارتباط با هیچ تفکر و نظامی در دنیا (حتی مستکبرین) محدودیتی قائل نیست. همین ارتباط، بهانه‌ای می‌شود برای ایجاد پیوندهای مسالمت‌آمیز با نظام‌های سیاسی‌ای که بر خلاف اصول اسلامی مشی می‌کنند و از این طریق با هرگونه مظاهر جهاد، تحت عنوان خشونت مخالفت می‌نمایند.

بنابراین به دلیل عدم باورمندی به اهداف و روش‌های حکومت اسلامی به دنبال اجرای سیاست‌هایی هستند که از جانب دشمنان حکومت اسلامی دیکته می‌شود. این جریان، قابلیت انطباق بر شبکه مسلمانان میانه‌رو را دارد که برخلاف هنجارهای مستقر در جامعه اسلامی خود به ترویج و تعمیق هنجارهایی اسلام آمریکایی در بدنه اجتماعی و سیاسی نظام اسلامی می‌پردازند. در این حالت مخالفان حکومت اسلامی برای برچیدن آن نیازی به استفاده از ابزار سخت و روش‌های قهرآمیز ندارند. جدول زیر به نقاط مشترک دو شبکه مورد نظر در پژوهش مؤسسه رند و مشخصات شبکه نفاق در قرآن می‌پردازد:

شبکه مسلمانان میانه‌رو	شبکه نفاق
دارای عقاید اسلامی	معتقد به اسلام
اعتقاد به لیبرال دموکراسی آمریکایی	اهل دوستی و رابطه با کفار خاص
قول به مشروعیت مردمی	اولویت رضایت مردم بر رضایت خدا و پیامبر
مخالفت با خشونت (غیر مشروع)	عدم اعتقاد به جهاد و شهادت
هماهنگی با سیاست‌های آمریکا	طراحی علیه حکومت اسلامی (توبه/۶۴)
قول به صلح جهانی (علی‌الخصوص در برابر آمریکا)	عدم مقاومت در برابر استکبار
عدم اعتقاد به حکومت دینی مستقر	عدم اعتقاد به ولایت و حکومت اسلامی او
خدعه و فریب نسبت به حاکم دینی در ارتباط‌گیری با بیگانه	طراحی برای فریب حکومت اسلامی
تلاش برای بسط ارزش‌های آمریکایی	همکاری با استکبار در برابر حکومت اسلامی
عدم تعصب و روشنفکر نمایی و قابلیت تغییر عمده در تفکر	عدم ثبات در اعتقادات دینی
تلاش برای تردید در کفایت نظام مستقر	تردید در اهداف و آرمان‌های حکومت اسلامی



۴- عملکرد جریان نفاق (مسلمانان میانه‌رو) در اعمال قدرت آمریکا در جمهوری اسلامی

در گزارش کمیسیون امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ و سند ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، نظام جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین چالش آمریکا در ابتدای قرن ۲۱ معرفی شده است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۳۹). برخی نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران آمریکایی بر این باورند که هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه جمهوری اسلامی ایران (به ویژه اقدام نظامی) نفرت ایرانیان از آمریکا و دولت آن را برای سالیان دراز ریشه‌دارتر خواهد کرد و امکان روی کار آمدن دولتی هوادار آمریکا در این کشور را ضعیف‌تر خواهد کرد و حتی بی‌ثباتی و ناامنی را در منطقه جنوب غرب آسیا افزایش خواهد داد. این گروه معتقدند جمهوری اسلامی به علت برخورداری از پیشینه دموکراسی و وجود نهادهای مردم‌سالار و همچنین پتانسیل‌های موجود برای حرکت‌های مردمی و غیردولتی، از استعداد بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش‌های غیرخشونت‌آمیز برخوردار است. در صورتی که عملیات جنگ نرم در براندازی جمهوری اسلامی به موفقیت برسد، پیامدهای ناشی از روش‌های رویکرد تغلب‌گرا (قهر و غلبه و جنگ سخت) را با خود به همراه نخواهد داشت (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۲۷). مروری بر وقایع مختلف تاریخی ایران معاصر می‌تواند آشکارا این تلاش نرم آمریکا را هویدا سازد.

۴-۱ شبکه مسلمان میانه‌رو و زمینه‌های شکل‌گیری قدرت نرم آمریکا در ایران

از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ و سلطه آمریکا بر سیاست داخلی و خارجی ایران یکسره و همه‌جانبه بوده است. جان فوران^{۲۰}، در کتاب "مقاومت شکننده" می‌نویسد: به رغم سیاست به ظاهر مستقل ایران و دیپلماسی نفت این کشور، شاه در آستانه انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ به نحو

فزاینده‌ای در روابط اقتصادی، نظامی، سیاسی و استراتژیکی خود به آمریکا وابسته بود. هیچ کشور دیگری را نمی‌توان یافت که ایالات متحده آمریکا تا بدین پایه در آن نفوذ کرده باشد (فوران، ۱۳۷۷: ۵۱۲). پس از انقلاب اسلامی، آمریکا دوباره خواهان آن بود تا با تأثیرگذاری بر روند مناسبات سیاست داخلی ایران، زمینه روی کار آمدن عناصری متمایل به خود را فراهم کرده، مجدداً نفوذ حداکثری خود در ساخت سیاسی ایران را تحقق بخشد. بر همین اساس تلاش نمود با اعمال قدرت نرم، زمینه گرایش نخبگان سیاسی را به سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکا جلب نماید.

در واقع انقلاب اسلامی ایران در زمانه‌ای به پیروزی رسید که اوج قدرت نظام جهانی سرمایه‌داری و گفتمان لیبرال دموکراسی و یکه‌تازی آمریکا در صحنه جهانی بود. شاید بتوان از اولین اقدامات آمریکا در اعمال قدرت نرم علیه جمهوری اسلامی، حمایت جدی از دولت متمایل به غرب یعنی "دولت موقت" نام برد. با توجه به انتظاراتی که از سوی امام خمینی (ره) برای دولت موقت ترسیم شده بود و انتظارات نیروهای مؤمن و انقلابی، بعد از مدت کوتاهی در برخی رویدادها و انتخاب‌های راهبردی میان بازرگان و انقلابیون، تنش‌هایی به وجود آمد و روی‌گردانی از برخی از آرمان‌های انقلاب در رفتار و عمل دولت موقت مشاهده شد تا جایی که "مذاکره پنهانی با آمریکا"^{۳۱}، در سرلوحه سیاست خارجی دولت موقت قرار گرفت. به عقیده مارک فیشر^{۳۲}: «برای میانه‌روها انقلاب به ثمر رسیده بود و اینک باید متخصصان، امور را به دست گیرند، در حالی که برای انقلابیون نیز کار تازه آغاز شده بود. از طرفی توقع طبیعی مردم از دولت پس از انقلاب، آن بود که مشکلات و نابسامانی‌ها هرچه زودتر پایان پذیرد و با ضدانقلاب به شیوه قاطعانه‌تری برخورد شود.» (پزشکی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

استقرار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به معنای چالش عمیق نظری برای تمدن فراگیر غرب به حساب می‌آمد. لذا اگرچه آمریکا بر آن شد که به مواجهه‌ی سخت و نرم به صورت توأم با نظام سیاسی ایران بپردازد اما خروج سلامت ایران از بحران‌های ابتدای جمهوری اسلامی نظیر ماجرای "بنی‌صدر" و "سازمان مجاهدین خلق" و "جنگ هشت‌ساله با عراق"، اندیشمندان سیاسی آمریکا را متوجه رقابت جدی الگوی سیاسی ایران برای مقابله با الگوی لیبرال دموکراسی آمریکایی، نمود. یعنی استقرار جمهوری اسلامی و افزایش سطح قدرت آن، باعث شد که ایران از دولتی که در نظام شاهنشاهی، نظم وستفالی^{۳۳} را پذیرفته بود، تبدیل به دولتی شود که پیرو نظم اسلامی مدنظر خود است. لذا تغییر موازنه‌ی قوا، به خصوص در منطقه خاورمیانه، به دلیل برخورداری جمهوری اسلامی

۳۱. پائیز ۱۳۵۸ مهدی بازرگان در الجزایر دو ساعت در پشت درهای بسته با برژینسکی ملاقات و گفتگو کرد

این در حالی است که هم اصل ملاقات و هم محتوای آن بدون هماهنگی با امام بوده است. (دهقان، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

32. Michael Ficher, Iran: From Religion Disput to Revolution, America: harvard university press, p216

33. Westphalian

ایران از گفتمانی پیش‌رو و زنده، با بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیک، منابع زیرزمینی، وسعت خاک، جمعیت مناسب و کشوری توانمند باعث گردید تا ایالات متحده به مقابله نرم با آن روی بیاورد.

از دیگر موقعیت‌هایی که زمینه‌ساز نفوذ مخربانه آمریکا در کشور بود جریان فعالیت منافقین بود که با شعارها و مواضع همراه با تزویر و با حمایت غرب به جذب نیرو و اقدامات مخربانه دست می‌زد. اهمیت جریان منافقین به گونه‌ای بود که برخی از شخصیت‌های بالای نظام را درگیر خود نموده بود. مسئله‌ی عزل آیت‌الله حسینعلی منتظری از مقام جانشینی رهبری در همین راستا بود. امام خمینی در نامه خود به ایشان علت این امر را در کانالیزه‌شدن آیت‌الله منتظری توسط لیبرال‌ها و منافقین (سازمان مجاهدین خلق) و غرب‌گرایان می‌داند: «از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی مردم مسلمان ایران را پس از من، به دست لیبرال‌ها و از کانال آن‌ها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید...» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۳۳۰).

نشانه دیگر از قدرت نرم آمریکا در ایران مربوط به نامه تعدادی از نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی به آیت‌الله خامنه‌ای است که در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۱ به صورت محرمانه ارسال شده بود، اما فوراً رسانه‌ای شد. در بخشی از این نامه آمده است: «تنها با تسامح می‌توان وضعیت ایران را در زمان اشغال در جنگ جهانی دوم و یا پیش از پذیرش قطعنامه با وضع کنونی قابل مقایسه دانست که در اولی با قطع هرگونه امید در داخل، عامل خارجی سرنوشت کشور را رقم زد و در برهه دوم اراده و تدبیر و دوراندیشی حضرت امام خمینی (ره) و اتکای به مردم کشور را نجات داد. اما شاید دوره کنونی از این لحاظ بی‌مانند باشد که شکاف‌های سیاسی و اجتماعی با تهدید خارجی و برنامه آشکار دولت ایالات متحده آمریکا (به عنوان قدرتی که در برابر خود مانعی نمی‌بیند) برای تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه هم‌زمان شده و نظام ناچار به کنش و واکنش در برابر این برنامه است... اگر جام زهری باید نوشید، قبل از آنکه کیان نظام و مهم‌تر از آن، استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد، باید نوشیده شود...» (onway.ir).

اما آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس ششم در روز ۷ خرداد ۱۳۸۲ اظهار کرد: «دشمن نیز می‌داند که سلاح و تجهیزات در برابر اراده و پایداری ملت ایران کارایی ندارد، بنابراین در صدد است از درون با مردم ایران برخورد کند و با سست کردن اراده‌ی ملت که در اراده‌ی مسئولان متجلی می‌شود، به اهداف خود دست یابد، اما مردم و مسئولان ایران با تحمل لوازم مقابله با دشمن، هویت و استقلال خود را حفظ می‌کنند... انتقاد و اعتراض، ایرادی ندارد، زیرا تنها متکبران یا کسانی که پشتوانه‌ی مردمی ندارند، از انتقاد بدشان می‌آید اما باید مراقب بود که بحث‌ها و اختلاف نظرها به مقابله و تخاصم تبدیل نشود و تصویر مورد نظر دشمن از اوضاع داخلی ایران، در افکار عمومی ترسیم نگردد... قانون آمده است تا کسی جرأت نکند با صدای کلفت بگوید که هرچه من می‌گویم باید محقق

شود. بنابراین همه مسائل باید با معیار قانون و در درجه‌ی اول، قانون اساسی حل و فصل شود» (مقام معظم رهبری ۱۳۸۲/۳/۷).

حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ نیز ایران یکی از برهه‌هایی است که نتایج میدانی سال‌ها تلاش نرم ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی را نمودار کرد. اندیشکده‌ها و بنیادهایی چون سوروس^{۳۴} یا صندوق اعانه ملی برای دموکراسی^{۳۵} از نهادهای مؤثر در جذب نیرو جهت اعمال قدرت نرم آمریکا هستند که پیش از این نیز در سایر کشورها اقدام به انقلاب‌های مخملین یا کودتای نرم کرده‌اند.

۲-۴ نگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران به اشتراک‌گذاری قدرت سیاسی در بدنه‌ی حاکمیت

ایران

همواره سطوحی از نفاق در ادوار تاریخ این نظام اعم از ابتدای انقلاب، جنگ هشت‌ساله و بعد از آن در حال مصاف با حاکمیت سیاسی در ایران است. تصرف قدرت سیاسی نیز مهم‌ترین خواسته‌ی این جریان بوده است. جریان "غرب‌گرا" یا طرفداران "اسلام آمریکایی" در طول چهار دهه از عمر نظام جمهوری اسلامی از متحدین سیاسی غرب و آمریکا در ایران محسوب می‌شوند. رهبران جمهوری اسلامی نیز در موارد بسیاری بر لزوم هوشیاری و آمادگی در برخورد با این جریان تأکید داشته‌اند.

آیت‌الله خامنه‌ای هدف دشمن از اشتراک‌گذاری قدرت سیاسی را نفوذ و تأثیر بر دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نظام می‌داند. ایشان ویژگی کسانی را که مخاطب ایالات متحده در جذب و اشتراک‌گذاری قدرت هستند را با اسلام آمریکایی بیان می‌کند. لذا در این خصوص می‌فرماید:

«نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت، یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آنها است. آنها هم همین را می‌خواهند. آنها دوست نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند. از خودشان آنجا مأمور داشتند. یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست. برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند. این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ

34 .Soros Fondation

35 . National Endowment for Democracy

کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی [نفوذ کنند]، زیرا جاهایی هست که تصمیم‌سازی می‌کند. این‌ها کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.» (رهبر معظم انقلاب: ۱۳۹۴/۶/۲۵).

نتیجه‌گیری

درنهایت در پاسخ به این سؤال که جریان نفاق در حکومت دینی چه نقشی در اعمال قدرت نرم آمریکا ایفا نموده است باید گفت این جریان زمینه‌ی پیشینی برای پیروزی دشمن در اعمال قدرت نرم را فراهم نموده است. آمریکا برای شکست حکومت‌های اسلامی به تغییر تاکتیک از مواجهه‌ی سخت و نظامی به مواجهه‌ی نرم روی آورده است. یعنی به یارگیری و اشتراک‌گذاری قدرت با کسانی که در بدنه سیاسی و اجتماعی کشور هدف، معتقد به ارزش‌های لیبرالی باشند می‌پردازد. تجربه موفق این تاکتیک در برخی از کشورهای خاورمیانه در تغییر الگوی سیاسی آن‌ها و خروجشان از "جبهه جهانی مقاومت در برابر آمریکا" به مجریان سیاست‌های واشنگتن در منطقه، ایالات متحده را مجاب به اعمال این مدل از قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران نموده است. بنابراین ارتباط خاص با غرب در دستور کار جریانی در جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت که البته از ابتدای انقلاب برای پیشبرد اهداف ایالات متحده فعال بوده است. تعبیر جریان نفاق، اسلام‌آمریکایی و جریان نفوذ همه از عناوین مختلفی است که رهبران جمهوری اسلامی برای این تفکر خاص به کار برده‌اند.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی

قرآن کریم

- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، آموزش دانش سیاسی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- پزشکی، محمد و دیگران (۱۳۷۸)، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، تهران: دفتر نشر معارف.
- حکیم، سید محسن (۱۴۰۴ قمری)، مستمسک العروه، مکتبه المرعشی، قم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۰۱ قمری)، کتاب الطهاره، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- دهقان، حمید (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی نقطه عطف تاریخی، قم: مؤسسه انتشارات مدین.
- اصفهانی، راغب (۱۳۸۳)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران: نش المکتبه المرتضویه الاحیا آثار الجعفریه، جلد ۴.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۵، ص ۱۹۳.
- طبرسی (۱۴۱۵)، مجمع‌البیان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۲۱۷.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع علوم سیاسی، تهران: نشر علم.

- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۵)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حلی، علامه (۱۴۱۵ قمری ۱۳۷۹)، کشف المراد، حسن بن یوسف، قم: موسسه نشر اسلامی، ج ۱، ص ۴۲۷.
- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- قریشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه، نوبت ششم.
- ---- (مهر ۱۳۸۳)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چاپ دوم.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب- انگلیسی:

- Bahman Baktiari, Parliamentary politics in revolutionary Iran: the institutionalization of factional politic, University of Florida Publications, 1996
- John Arquilla and David Ronfledt, The Emergence of Neopolitik: Toward and American Information strategy (Santa Monica: RAND Corporation, 1999
- Nye, Joseph S, "Hard and Soft Power in a Global Information Age" in: Mark Leonard, Reordering the World. (London (The Foreign Policy Center 2002
- Nye, Joseph S, "Limits of American Power" Political Science Quarterly Vol. 117, No 4, 2002-2003
- Nye, Joseph S., Soft Power: The Means To Success in World Politics, New York: Public Affairs, 2004
- Nye, Joseph S: Soft Power and Public Diplomacy, London, Portcullis House, 2010
- Rabasa. Angel, Cheryl Benard, Lowell H.S chwartz and Peter Sickel: Building Moderate Muslim Networks, Rand Pub, 2007
- Wolf, Charles and Brian Rosen, Public Diplomacy: How to Think about and Improve It, the Rand, www.Rand.org, 2004

سایت:

- www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monographd/2007/RAND_MG574.pdf
- www.researchgate.net/file.PostFileLoader.html?id=574d0e83eeae39dc8a17e1d0&assetKey=AS%3A367657468612613%401464667779557
- www.mobinmedia.ir/3880/%D9%81%DB%8C%D9%84%D9%85-
- www.khamenei.ir
- www.onway.ir/?p=2235
- www.legalpoliticalstudies.org/2014/11/joseph-nye-soft-power-and-public-diplomacy-in-the-21st-century/